

## رم کولهااس: باید پیش از پاندمی به بازطراحی فضاهای عمومی می‌اندیشیدیم!



رم کولهااس، نویسنده، استاد دانشگاه و معمار برنده‌ی جایزه‌ی پریترز کر، مدت‌هاست با فرودگاه‌ها مشکل دارد؛ اما نه از آن دسته مشکلاتی که اغلب مردم با فرودگاه‌ها دارند؛ مثل بوی شیرینی، رفتار نادرست مأموران یا قیمت بالای خرید خوراکی‌ها. مشکل کولهااس با فرودگاه این است: به نظر او فرودگاه‌ها دچار نوعی از بی‌هدفی شده‌اند.<sup>(۱)</sup>

کولهااس در مصاحبه‌ای تلفنی از دفترش در رتردام هلند می‌گوید که «فرودگاه‌ها در گذشته فضاهایی کاملاً منطقی بودند که به‌سادگی، افراد را به طرز کارآمدی، از مکانی به هواپیما هدایت می‌کردند. به عقیده‌ی او، این روند در گذشته بسیار منطقی بوده است؛ «رسیدن به فرودگاه، تحویل بار، بررسی مدارک و...»

اما امروزه فرودگاه‌ها به چیزی تبدیل شده‌اند که کولهااس آن را فضای پوچ<sup>(۲)</sup> می‌نامد. او در این باره می‌گوید: «مسئله این است که شما تقریباً مجبور هستید به اعماق یک پیکربندی اقتصادی وارد شوید که در معرض بیش‌ترین میزان از خرید کردن قرار بگیرید. یک طرح پیچ‌درپیچ که مسافران را بیش‌تر به یک مرکز خرید هزارتویی هدایت می‌کند و احساس دائمی ازدحام را به آن‌ها می‌دهد. بدین‌صورت، آزادی عمل کم‌تری خواهید داشت تا خودتان دست به انتخاب بزنید و نمی‌توانید فاصله‌ی شخصی‌تان را حفظ کنید.»

فرودگاه‌ها تنها نمونه‌ای از فضاهای عمومی هستند که در عصر پاندمی، شاید مجبور به شناسایی، بازاندیشی و بازطراحی آن‌ها شویم. البته کولهااس معتقد است که شاید برای این موضوع دیر هم شده باشد. علاوه بر فرودگاه‌ها، مسئله‌ی شهرها به‌خصوص آن‌هایی که تنها هدفشان جذب جمعیت بیشتر است، از مکان‌های در نظر کولهااس است. «مسئله این است که در ۲۰ یا ۳۰ سال گذشته، شهرها به محل گردآمدن افراد نسبتاً مرفه و گردشگران تبدیل شده‌اند. شهرها دچار تحولات بسیاری شده‌اند که به نظر از درک ما دور است.»

رم کولهاس معماری است که بابت چاپ کتاب «نیویورک هذیانی»<sup>(۳)</sup> شهرت زیادی کسب کرد. او در این کتاب به تحسین شهر نیویورک به خاطر شلوغی و تراکم بالایش پرداخته است؛ اما حالا توجه خود را به سوی فضاهایی که کم‌تر مسکونی هستند معطوف کرده است، خاصه مناطق روستایی و حومه‌ی شهرها. به نظر او، تجمع بیش از پنجاه درصد جمعیت دنیا در کلان‌شهرهایی که تنها دو درصد از سطح کره زمین را اشغال می‌کنند، مشکلی است که مدت‌ها پیش‌ازین که کسی معنای فاصله‌ی اجتماعی را درک کند، وجود داشته است.

این دغدغه، باعث شکل‌گیری یکی از موضوعات اصلی نمایشگاه اخیر کولهاس در موزه گوگنهایم نیویورک به نام «حومه شهر» شد؛ که به بی‌توجهی به مناطق روستایی و در نتیجه ترک روستا معطوف بود. البته کم‌تر از یک ماه از افتتاح آن نگذشته بود که در ماه مارس ۲۰۲۰ به دلیل شیوع پاندمی، موزه موقتاً تعطیل شد. درست در همان روزهایی که شهروندان متوجه شدند که ای‌کاش می‌توانستند درجایی خلوت‌تر و کم‌جمعیت‌تر زندگی کنند؛ و بعد این سؤال به وجود آمد که محصولات غذایی‌شان از کجا تأمین شده است.

کولهاس با گونه‌ای فروتنی بیان می‌کند: «کار فرصت‌طلبانه‌ای است اگر من هم بگویم، به شما هشدار داده بودم و یا این که از اساس شهرها را مناطقی خطرناک برای زیستن معرفی کنم. منظور، نه ضرورتاً روی گرداندن از شهرهاست؛ بلکه نادیده گرفته شدن مناطق روستایی است که باید به‌عنوان یک صورت مسئله جدی مطرح شود».

او یادآوری کرد که مسئله‌ی مکان قرارگرفتن کارخانه‌های عظیم و تمام‌اتوماتیک، مراکز پردازنده‌های داده و مراکز دپوی کالا برای شرکت‌هایی مانند آمازون، اپل و گوگل، یکی از نقش‌های نادیده گرفته شده در فضاهای شهری است؛ و از آنجایی که سفارش‌های آنلاین و ملاقات مجازی برای حفظ جان آدم‌ها ضروری تلقی شده، اهمیت این ابرساختارها پیش از پیش خواهد شد. البته پیش از شیوع ویروس کرونا نیز، کولهاس از معماران می‌خواست که این مسئله را در طراحی‌هایشان در نظر بگیرند.

کولهاس پیش‌ازین، در افتتاحیه‌ی نمایشگاه خود در فوریه ۲۰۲۰ گفته بود: «تمام تخصص ما به سمت ارزش‌ها، نیازها و خواسته‌های انسان معطوف است؛ اما در سراسر جهان، این ماهیت‌های مکانیکی عظیم خودنمایی می‌کنند که عموماً عظیم‌الجثه، مکعبی شکل و نفوذناپذیرند. گاهی اوقات هم فضایی را با انسان‌ها به اشتراک می‌گذارند. ما نیازمندیم که در معماری به هم‌زیستی ماشین‌ها و ربات‌ها را، شاید به‌عنوان یک اولویت در مکان تصور کنیم؛ و از اینجاست که سؤال بعدی شکل می‌گیرد؛ این که هم‌زیستی میان ربات و انسان چگونه می‌تواند از لحاظ حقوقی در یک واحد ساختمانی میسر باشد؟»

کولهاس با ۷۵ سال سن، قطعاً می‌تواند سختی‌ها و محرومیت‌های دوران پس از جنگ جهانی دوم در اروپا را به یاد آورد. هم‌چنین از آنجایی که سال‌های کودکی خود را در کشور اندونزی گذرانده، با تأثیر بیماری‌های مُسری ویران‌کننده، آشناست. پس برخی از حقایق زندگی امروز، شاید یادآور خاطرات سال‌های جوانی او باشد.

چیزهای دیگری هم هست که او در حال کلنجر رفتن با آن‌هاست. او می‌گوید، خلاقیت در انزوای پدید آمده از قرنطینه، غیرممکن است. کولهاس این روزها، تقریباً نیمی از وقت خود را در شرکت OMA (دفتر معماری متروپلیتن) (۴)، سپری می‌کند و نیمی دیگر را صرف تحقیقات و نظریه‌هایش می‌کند؛ تا بتواند به واسطه‌ی این دو، کتاب‌هایی را منتشر و نمایشگاه‌هایی را برگزار کند. برای هر دوی این موضوعات، او به تیم همکارانش نیاز دارد. «پس از تجربه‌ی کار کردن بدون تعاملات انسانی، به این نتیجه رسیدم که تعاملات، نکته کلیدی دستیابی به خلاقیت است». پس از این او یکی از پیچیده‌ترین تعاریفی را که باعث شهرت بیشترش شد ارائه داد: «برای هر چیزی که بخواهیم آن را لزوماً یک استثناء و یا لحظه‌ای از الهام حقیقی ببانمش کنیم، مقاربه انسان ضرورت دارد».

اگر نوعی بن مایه برای سرچشمه کلیه کارهای کولهاس تعریف کنیم (از جمله ساختمان‌هایی در شهرهای مختلفی مثل مسکو، میلان، پکن، سیاتل و سئول، همچنین تألیف بیش از ده کتاب) این است: اندیشه‌ی او همواره به سمتی می‌رود که پیش‌تر، دیگر معماران توجهی به آن نداشته‌اند. خواه یک دیدگاه و دیدگاه باشد یا یک مصالح ساختمانی یا تجربه‌ی خرده‌فروشی، خواه یک شهر در نیجریه باشد. او درباره‌ی حرفه‌اش می‌گوید «من همواره سعی داشتم جنبه‌هایی از مسائل روز را در دستور کارهایم قرار دهم که حس می‌کردم نادیده گرفته شده بودند». برای مثال پروژه‌ای که در زادگاهش، شهر روتردام طراحی کرده است تا بهترین منظر را برای اتومبیل‌های در حال عبور فراهم کند. یا موزه‌ای در پارک گورکی مسکو که در واقع یک رستوران متروک است که با پلی کربنات پوشانده شده است. او کتابی درباره‌ی «لاگوس» نوشت و حتی در ویرایش «راهنمای چگونگی خرید کردن» با مدرسه‌ی طراحی هاروارد همکاری داشت.

اگرچه کولهاس ممکن است که برخی از چالش‌ها و کمبودهایی که پاندمی فقط آن‌ها را پررنگ‌تر کرده است را پیش‌بینی کرده باشد، اما او هم از این عدم آمادگی در کشورهای غربی در این زمینه، غافل‌گیر شده است. او که نمادین‌ترین اثر خود را در شهر پکن ساخته است (مقر اصلی شبکه‌ی دولتی چین) از این‌که در غرب، کشور چین به‌عنوان یک بازار حاشیه معرفی شده بود، شگفت زده شده بود. او می‌گوید «گونه‌ای از نژادپرستی چین هراسانه وجود دارد که دائماً فاصله‌ی بین غرب و چین را افزایش می‌دهد. زمانی که هشدارهای پر قیل‌وقال در آنجا در حال خاموش شدن بودند، در اینجا حتی دریافت هم نشدند».

از سوی دیگر او به‌طور امیدوارکننده‌ای از این‌که دنیا چقدر سریع تغییر کرد می‌گوید: «این‌که تمرکز اقتصاد به شکل باورنکردنی‌ای به‌سوی هدفی مشترک، تغییر جهت داده است، من را شگفت زده کرده». با توجه به این‌که تا به امروز چقدر کمک‌گیری در راستای بهبود شرایط اقلیمی سخت بوده است؛ به‌طور مشابه، او از «انعطاف فوق‌العاده‌ای که مردم در جهت تغییر رفتارهایشان نشان داده‌اند» تحت تأثیر قرار گرفته است.

معماران را می‌توان دانشجویان همیشگی و یا کاتالیزور دانست. آنان همواره درصدد شناسایی و تغییر رفتارهای انسانی هستند. کولهاس صراحتاً اعلام می‌کند امیدی ندارد جامعه‌ی معماران به‌تنهایی توان حل مشکلات بشر را داشته باشند. به گفته‌ی او: «اما به این باور دارم که گاهی می‌توان تعدادی از خواسته‌ها و نیازها را باهم ترکیب کنید؛ به‌گونه‌ای که یک نتیجه عمیقاً رضایت‌بخش و شاید ماندگار به دست آید. به‌شخصه شانس تجربه‌ی مستقیم این را داشته‌ام.» به‌بیان دیگر، نقشه‌های جنون‌آمیز کولهاس، معمولاً کارساز بوده‌اند و خب، همین کافی است.

توضیحات:

۱- هم‌زمان با تاریخ این مصاحبه، کولهاس در حال طراحی شهر فرودگاهی‌ای در کشور قطر بوده است. همچنین طی چهل سال گذشته او در بسیاری از شهرها، از جمله زوریخ، سنول، بارسلونا و آمستردام تجربه تحقیقاتی، طراحی و اجرای فضاهای زیرساختی ترمینال فرودگاهی را داشته. با توجه به پیشرو بودن مغز این معمار، وی قطعاً آگاه است که بخشی از نقدی که به ریز فضاهای فرودگاهی اشاره داشته، به خود او نیز بازخواهد گشت.

۲- نظریه کولهاس بانام فضاهای پوچ در سال ۲۰۰۶ با کمک هال فاستر در کتابی با همین نام منتشر شد. این کتاب توسط محیا صادقی پور و سروش محمدپور در سال ۱۳۹۸ شمسی ترجمه شده و نشر فکر نو آن را منتشر کرده است.

۳- این کتاب در سال ۱۹۷۸، زمانی که کولهاس تنها ۳۴ ساله بوده، نگارش شده است. با وجود نقدی که خود بر مطالب این کتاب وارد ساخته، همچنان کتابی تأثیرگذار و خواندنی در زمینه معماری و شهرسازی است.

۴- شرکت OMA یک مجموعه بین‌المللی است که در مرزهای مرسوم معماری و شهرسازی فعالیت می‌کند و شرکت AMO یک استودیوی تحقیق و طراحی است که تفکر معماری را در حوزه‌های فراتر از این مرزها اعمال می‌کند.

نویسنده: بلیندا لاسکوم (چاپ شده در نشریه‌ی تایم به تاریخ ۲۵ می ۲۰۲۰)

مترجم: حانیه آل یاسین، پرهام ادیب پور